

## درام را در گوشه های پنهان پیدا کن

لطفاً مزاحم نشوید / محسن عبدالوهاب / ۱۳۸۸

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : آذرماه ۱۳۸۹

در سینمایی که اغلب اوقات نام های کم شناخته تر درکنار نام های مشهورتر نادیده انگاشته می شوند و مثلاً در دو سیمرغ فیلم وقتی همه خوابیم برای طراحی صحنه و لباس و تدوین، کسی به حضور و همکاری بااهمیت آتوسا قلمفرسایی و سپیده عبدالوهاب (به ترتیب) با ایرج رامین فر و بهرام بیضایی، توجه و اشاره ای نمی کند، برداشتی که من از ساختمان روایی فیلم خون بازی داشتم، برای اغلب دوستان عجیب به نظر می رسید: معتقد بودم که بیشتر وجوه مدرن روایت آن فیلم و به ویژه پیش رفتن با سه شخصیت حاضر و چندین شخصیت غایب که فقط چیزهایی درباره شان می شنویم (مانند همکار مادر سارا/بی تا فرهی که اتومبیلش را به مادر سارا داده، فردوس همسر تازه پدر سارا/ مسعود رایگان، لیلا که تمام مسیر را به سمت او طی می کنند...) به دلیل شیوه و عادات کلاسیک تری که رخشان بنی اعتماد معمولاً در داستانگویی و معرفی و پیشبرد شخصیت ها دارد، نتیجه نگاه و سلیقه سینمایی/روایی محسن عبدالوهاب است. و این نکته مرا برای دیدار نخستین کار مستقل او، کنجکاو تر و مشتاق تر می کرد. لطفاً مزاحم نشوید فیلمی با همان برش های روایی موجز و بدون تطویل و توضیحات اضافی سستی است که البته به دلیل ماهیت انسانی مضامین و موقعیت هایش، به شدت لب مرزی ایستاده که می توان مثل بسیاری دوستان، نهایت دلایل تحسین آن را به تعبیر دهه شصتی و طالبی نژادوار «شرافت» محدود کرد و تقلیل داد. در واقع این تعبیری تنزلی است که فیلمی با این ظرافت های ساختاری و چینی را فقط با صفات مضمون زده ای چون «شریف» و «سالم» و «سلامت» توصیف کنیم؛ در حالی که انبوهی از پدیده های سلامت به لحاظ مضمونی، مانند ایتیم های نمایشی لا به لای برنامه کودک تلویزیون، می توانند عاری و تهی از ظرافت در ایده پردازی، پیوند رخدادها و کنش ها به هم و جمع بندی نهایی باشند و در نهایت سیر همیشگی نصیحتگری را طی کنند و از رمق و اثربخشی بیفتند.

این که لطفاً مزاحم نشوید در اصل و در شکل نهایی فیلمنامه آماده تولید، چهار اپیزود بوده و تنها سه اپیزود آن ساخته و به بدنه فیلم نهایی تبدیل شده، خود نشان دهنده شناخت عبدالوهاب و همکاران تعیین کننده اش در گروه سازنده فیلم است که به درستی، سیر همین سه اپیزود را خودبسند و به منزله ظرفی متناسب با محتویات اثر تشخیص داده اند. زمان اپیزودها همپای درگیرکنندگی موقعیت های هر کدام، از اولی تا سومی گسترش و افزایش می یابد و فیلم هوشمندانه از موقعیتی ظاهراً دراماتیک تر در یک روز جدلی زندگی زن و شوهر اپیزود اول (روشنک و بهرام با بازی باران کوثری و افشین هاشمی) تا شرایط کمی آسودتر اپیزود دوم و چالش های همزمان حاج آقا (هدایت هاشمی با نقش آفرینی ظریف و متعادلی بر روی مرز طبیعت گرایی و اجرای نمایشی؛ که به سمت هیچ کدام نمی غلتد) تا موقعیت صد در صد آسورد و غریب اپیزود سوم، حرکت می کند و هر بار به موقعیت عجیب تر، وقت بیشتری اختصاص می دهد. تماشاگر معمول سینمای متمایل به ملودرام ما که موقعیت اپیزود اول را البته نه با این موضوع ویژه که محور آن است (نگرانی های یک مجری تلویزیونی در حفظ تصویر ساختگی رسانه از او در سطح جامعه) در فیلم ها و مجموعه های تلویزیونی زیاد دیده، آموخته می شود که در موقعیت های خاص تر و در جاهایی که حتی نمی توان خلاصه داستان مشخصی از آن بازگو کرد، گوشه های درگیرکننده تری از روابط و مناسبات انسانی پیش بینی ناپذیر در دل جامعه ای که ناهنجاری به هنجار اصلی اش بدل شده، یافتنی است. این که اپیزود سوم با این ایده داستانی که وصف کردم، با بازی کنترل شده بی تکلف حامد بهداد و حضور کلیدی «صحنه گردان» دوست داشتنی و به قاعده ای مانند خانم شیرین یزدانبخش، تا این حد تماشاگر را درگیر موقعیت نامعمول اما بسیار طبیعی خود می کند، از این منظر کاملاً آگاهانه به چشم می آید و بهتر درآمدن آن از دو اپیزود قبلی، نتیجه چیدمان خودخواسته فیلم و فیلمنامه است که می خواهند ذائقه تشخیصی موقعیت

دارماتیک تر در تماشگر سینمای مکرر و معمول ما را به طور موقت تغییر و در نهایت تا اندازه ای که از عهده یک فیلم میان این همه محصولات هشت در هفت برمی آید، ارتقاء دهند.

نقطه انتهایی این یادداشت کوتاه می تواند - و شایسته است که - به تقدیر از کار محمد احمدی مدیر فیلمبرداری و تهیه کننده کم سر و صدای فیلم اختصاص یابد که بعد از سال ها همکاری در بخش های فرهنگی سینمای ایران و بعد از ساخت دو فیلم شاعر زباله ها و حقیقت گمشده، حالا چندسالی است حرکتی سودمند را برای تهیه و تولید فیلم هایی جدی و واجد ارزش شروع کرده که خودش هم برای راه اندازی سریع تر پروژه فیلمبرداری آنها را به عهده می گیرد. شاید نتسجه نخست این حرکت یعنی حریم چندان درخشان از کار درنیامده باشد، اما مهم این است که حالا احمدی در تدارک تولید نخستین فیلم سینمایی حمید امجد نویسنده و پژوهشگر و ناشر اثرگذار عرصه سینما و تئاتر است و کمی پیشتر امکان ساخته شدن نخستین فیلم مستقل یکی دیگر از افراد صاحب سابقه و سلیقه تربیت یافته در این سینمای کم بهره از ایده و آدم خاص را فراهم کرده است. حرکتی که امیدوارم یک تابلوی دستی کوچک «لطفاً مزاحم نشوید» کنار در ورودی آن نصب کند و کارش را بکند.